



اجلاس بین‌المللی روز جهانی زن

مریم رجوی: بگذارید امسال روز جهانی زن را روز زنان مقاومت اوکراین بنامیم

۱۴ اسفند ۱۴۰۰

روز شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۰، در آستانه روز جهانی زن، یک اجلاس بزرگ بین‌المللی در برلین با شرکت شخصیت‌های سیاسی برجسته و مبارزان حقوق زنان، در ارتباط آنلاین با اشرف ۳ در آلبانی و صدها نقطه در شهرهای مختلف جهان برگزار شد.

در این اجلاس، سخنرانان، روز جهانی زن را گرمی داشتند و از مبارزات زنان جهان به‌ویژه زنان ایران برای آزادی و حقوق برابر و رفع تبعیض‌های ناعادلانه حمایت کردند و مقاومت زنان اوکراین را ستودند.

مریم رجوی در سخنرانی خود با عنوان می‌توان و باید گفت:

روز جهانی زن، عید به‌پاخاستگان برای آزادی و برابری؛ عید بی‌صدایانی که صدای حقیقی بشریت‌اند بر شما مبارک!

روز جهانی زن، عید آن‌هایی است که از اغلب فرصت‌ها برای کسب توانایی محروم شده‌اند، اما مبشر توانایی و مسئولیت‌پذیری در جهان امروزند. روز جهانی زن را به زنان در سراسر جهان تهنیت می‌گوییم.

امروز گرم‌ترین درودها را تقدیم می‌کنم به مردم سرفراز اوکراین به‌خصوص به زنان شجاع این کشور؛ میلیون‌ها زن و دختر که برای آزادی به‌پاخاسته و در ابعاد کلان به صحنه‌های نبرد شتافته‌اند و از وزیر و پارلمانتر تا مادران سالخورده سلاح به دست گرفته‌اند. مادرانی که بچه‌های خود را به دیگران سپردند تا در مقاومت مشارکت کنند، دختران خردسالی که با لبخند و روحیه عالی به ساختن کوکتل مولوتف مشغولند.

من به یاد زنان و دختران مجاهدی می‌افتم که در قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به حکم خمینی با شعارهای آتشین و مشت‌های گره‌کرده به‌دار آویخته می‌شدند.

مقاومت مردم اوکراین نه فقط حماسه‌ی در دفاع از شرف و موجودیت این کشور، بلکه نقطه عطفی در احیای فرهنگ ایستادگی و مقاومت در جهان امروز است. آن‌ها ایستادند و مماشات و انفعال کشورهای غرب را به‌چالش کشیدند. ایستادند و جهان را به حمایت برانگیختند. آن‌ها ستون فقرات سربازان و مردم خودشان را پر از فولاد کرده‌اند. بگذارید امسال روز جهانی زن را روز زنان مقاومت اوکراین بنامیم و برای آن‌ها برخیزیم و یک دقیقه کف بزنیم.

زنان، پیشتاز جنبش‌های اعتراضی

سخنانم را با تبریک مجدد روز جهانی زن به همه شما به‌خصوص خواهرانم در افغانستان، سوریه، عراق، یمن، فلسطین و لبنان ادامه می‌دهم. روز جهانی زن، برای زنان ایران، روز غرور و افتخار است. زیرا در سراسر این سال - هم‌چون سراسر تاریخ این چهار دهه - در مقابل هیولای زن‌ستیزی و اجبار و غارت و سرکوب ایستادگی کرده‌اند. در یک‌سال گذشته در همه جنبش‌های اعتراضی، از قیام‌های خوزستان و اصفهان و شهرکرد تا اعتراض‌های معلمان، پرستاران یا مردم غارت‌شده، در همه جا زنان پیشتاز و راه‌گشا بوده‌اند. در ۳۰ آبان امسال، وقتی قیام بختیاری‌های دلیر به اوج رسید، این زنان شجاع شهرکرد بودند که بر فراز سکویی در برابر استانداری رژیم، مردم را به ادامه قیام فرا می‌خواندند. یک دختر دلیر فریاد می‌زد: وعده ما با آدم‌های با غیرت و با شرف فردا، همین‌جا برای ادامه اعتراض. یک زن روستایی که دبه خالی آب را به مردم نشان می‌داد، همه را به خیزش و اعتراض دعوت می‌کرد.

در یک‌سال گذشته معلمان ایران ۱۹ اعتصاب و اعتراض سراسری داشته‌اند. بعضاً در ۸۰ شهر یا ۱۰۰ یا ۱۱۶ یا ۲۰۰ شهر و ناحیه تجمع داشتند. در تمام این اعتراض‌ها خواهران معلم ما نقش محوری ایفا کرده‌اند.

در قیام کشاورزان اصفهان زنان در بسیاری صحنه‌ها فعالانه حضور داشتند و در بعضی نقاط جلودار حرکت‌های اعتراضی بودند. مادری یک تنه جلو مزدوران موتورسوار رژیم ایستاد و فریاد می‌زد: فکر نکنید که ما از شما می‌ترسیم.

هم‌زمان، زنان و دختران از خودگذشته در شهرهای مختلف به تشکیل کانون‌های شورشی دست زدند و با فعالیت‌های اختناق‌شکن برای گسترش اعتراض‌ها علیه رژیم راه گشوده‌اند.

این سیمای واقعی زن ایرانی است. فریاد او، فریاد درماندگی و ناامیدی نیست. بلکه شورشی است برای برهم زدن وضعیت اسارت‌بار امروز، خروشی است برای ساختن فردایی که به آن می‌توان و باید دست پیدا کرد.

صدایی است که از شکنجه‌گاه‌ها، میدان‌های نبرد و راهروها و سالن‌های دار در قتل‌عام ۶۷ عبور کرده است.

صدایی است که ۱۵۰ سال مبارزه زن ایرانی علیه استبداد و ارتجاع و زن‌ستیزی، آن را بسا پر قدرت کرده است.

تاریخ ایران سرشار از قهرمانی زنان

و حالا نگاهی بکنیم به تاریخ ایران که سرشار از قهرمانی زنان مبارز است. در جنبش تنباکو این زنان تهران بودند که در یک راهپیمایی خونین به سمت خانه ناصرالدین شاه و به تعطیل کشاندن بازار به پیروزی آن جنبش یاری رساندند.

در انقلاب مشروطه زنان تبریز بودند که لباس رزم به تن کرده و پشت سر زینب پاشا، سالار زنان تبریز، به یاری ستارخان برخاستند.

و در خطیرترین روزهای آن انقلاب این بی‌بی مریم بختیاری بود که سلحشوران چهارمحال و بختیاری را به سوی فتح تهران سوق داد. و اوست که حالا در قلوب بختیاری‌ها و در ترانه‌های پراحساس‌شان جاری است.

سپس وقتی که مصدق بزرگ نهضت ملی شدن نفت را رهبری می‌کرد و دولتش با مشکل مالی رو به‌رو بود، دختران و زنان شجاع ایران از شهرهای مختلف خود را به تهران رساندند. آن‌ها برای فروش دارایی خود و خرید اوراق قرضه به نفع دولت ملی مصدق تجمع با شکوهی در مقابل کاخ بانک ملی در تهران برگزار کردند.

در سازمان‌های انقلابی دهه پنجاه، زنان پیشناز، فصل تازه‌یی در مبارزه و فداکاری گشودند. و در خیزش‌ها و قیام‌هایی که به پیروزی انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران منجر شد، زنان حضوری فعال و چشمگیر داشتند.

قهرمانان این نبردها هم‌چون فاطمه امینی، اشرف رجوی، مرضیه احمدی‌اسکویی، و مهربونش ابراهیمی ستارگان درخشان آسمان انقلاب ایران‌اند و هرگز از یادها نخواهند رفت.

زنان در مبارزه علیه ارتجاع مذهبی

وقتی که خمینی با سرقت رهبری انقلاب ضدسلطنتی به حکومت رسید، زنان ایران از نخستین هفته‌ها به ایستادگی و اعتراض دست زدند و در قدم بعد ده‌ها هزار زن مجاهد و مبارز در مقاومت علیه این رژیم شکنجه یا اعدام شدند.

در اعدام‌های وحشیانه دهه ۶۰ و در قتل‌عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷، خمینی و دژخیمان‌اش بیشترین قساوت و جنایت را متوجه زنان مجاهد کردند و در برخی بندها همه زنان زندانی مجاهد را به‌دار آویختند.

در خلال محاکمه یک دژخیم همین قتل‌عام که در استکهلم جریان دارد، یک شاهد درباره زنان مجاهد گفت که اوائل سال ۶۷ عده‌یی از دختران زندانی را از اوین آوردند. ما از پشت پنجره‌ها آن‌ها را می‌دیدیم. در زمان هواخوری ورزش دسته‌جمعی می‌کردند. یک ورزش رزمی. پاسدارهای زن می‌ریختند آن‌ها را بزنند، اما زورشان نمی‌رسید، مجبور می‌شدند سایر پاسداران را صدا بزنند و آن‌ها این دختران را می‌زدند و تکه پاره می‌کردند.

شاهد دیگری در همین دادگاه گفت: «زن مجاهدی بود به نام آذر سلیمانی. وقتی که به بهداری گوهردشت رفتم شاهد بودم که او را به‌خاطر گرفتن یک مدرک که می‌خواست آن را بخورد تا به دست دشمن نیفتد، شکنجه می‌کنند به‌طوری که فلج شده و قادر به‌راه رفتن نبود. اما او را با همان وضعیت برای اعدام بردند». و او از آرمانش دست نکشید.

درد بیکران ما به همه آن قهرمانان.

و امروز انباشت همان خون‌ها و رنج‌هاست که در دل جامعه ایران نیروی عظیم آزادی را ساخته است و هر روز شورش و اعتراض تازه‌یی را برمی‌انگیزد.

چرا یادآوری این تاریخ ضروری است؟ زیرا شاه و شیخ و مستخدمان و مزدوران آن‌ها که از آگاهی و مبارزه‌جویی آن‌ها وحشت دارند، اثرگذاری و راه‌گشایی آن‌ها را پوشانده‌اند. بنابراین باید با بلندترین فریادها نام آن‌ها را تکرار کرد:

نام مهین رضایی از فرماندهان قهرمان عملیات فروغ جاویدان
نام طاهره طلوع، قهرمان نبردهای فروغ جاویدان که آخوندها آنقدر از جنگاوری او کینه داشتند که بعد از شهادتش پیکر او را از درختی برصخره‌های چارزبر آویختند. این درخت سپس زیارتگاه مشتاقان آزادی شد.

نام معصومه برازنده از شهیدان قتل‌عام ۶۷ که پاسداران پیکرش را در میدان اصلی شهر به‌دار آویختند و بر روی لباسش نوشته بودند این کسی است که جوانان را به‌نزد مجاهدین می‌برد. و نام‌های زهره قائمی و گیتی گیوه‌چیان فرماندهان پایداری اشرف که با دست خالی در برابر نیروی تروریستی قدس به‌سرکردگی قاسم سلیمانی ایستادگی کردند و جان‌های خود را نثار آزادی ایران و توشه راه هزار اشرف کردند. درود بر همه این شهیدان

فجایع موحدش در حاکمیت آخوندها

دو واقعیت اساسی در مورد وضعیت کنونی ایران چشم‌گیر است: اول این که میان مردم ایران که از یک تمدن چند هزار ساله و یک فرهنگ غنی برخوردارند و برای آرمان آزادی فداکاری کرده‌اند، با یک رژیم وحشی و قرون وسطایی که در ایران حاکم است، هیچ تشابهی وجود ندارد.

واقعیت دیگر این است که مردم ایران هیچ‌گاه این رژیم را نپذیرفته‌اند. و در یک مقاومت عظیم علیه بنیادگرایی و زن‌ستیزی که مسعود رجوی آن را بنیاد نهاد، اسلام دروغین آن‌ها را افشا کرده‌اند.

اما این دو واقعیت بیش از همه در مورد زنان ایران صحت دارد که هم ضد تمام عیار رژیم ولایت فقیه‌اند و هم کم‌ترین سازشی با فرهنگ و قانون و شریعت ضدانسانی این رژیم نداشته‌اند. و هم این که پایان دردها و داغ‌ها و رنج‌هایشان و هم‌چنین پاسخ خواست‌هایشان را در سرنگونی رژیم آخوندی می‌جویند.

فجایع موحدش و در حال گسترشی که در مورد زنان ایران روا می‌شود، ربطی به فرهنگ مردم ایران ندارد؛ بلکه حاصل دشمنی این رژیم با زنان و ماهیت قرون‌وسطایی آن است.

در اواسط ماه گذشته خبر بریده شدن سر یک دختر جوان به‌نام مونا حیدری در اهواز توسط همسرش جامعه ایران را شوکه کرد. این نمونه‌یی از انحطاطی است که سرچشمه‌اش و جاده صاف‌کن‌اش همین استبداد زن‌ستیز است. رومینا اشرفی دختر ۱۳ ساله تالشی و شکیبیا بختیاری دختر ۱۶ ساله کرمانشاهی، شماری از قربانیان جنایت‌های مشابهی بوده‌اند که به‌دست اعضای خانواده خودشان صورت گرفته است.

همان‌طور که مسعود رجوی در این مورد گفته است: این «فجایع اجتماعی آب‌شخور و ریشه

سیاسی دارد. در تحلیل نهایی باید آن را به حساب رژیم ضدبشری و زن‌ستیز آخوندی گذاشت که خاستگاه کلان عقده‌های این برهه از تاریخ ماست».

قوانین این رژیم از جمله مواد ۲۲۰ و ۶۳۰ قانون مجازات ضداسلامی راه ارتکاب این کشتارها علیه زنان را باز گذاشته است، به‌علاوه، آخوندها پدیده‌های شنیعی مثل کودک همسری و ازدواج اجباری را رایج کرده‌اند. این روش‌های ارتجاعی، در کنار فقر و ناداری طاقت‌فرسای خانواده‌ها باعث گسترش خشونت علیه زنان شده است. به‌طوری که سالانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ زن در ایران به‌قتل می‌رسند. آخوندها خود نیز نسبت به سایر حکومت‌های جهان بیشترین اعدام زنان را انجام می‌دهند. بنابراین آن‌ها نه فقط آزادی‌ها و حقوق زن ایرانی را لگدکوب کرده‌اند بلکه جان و زندگی‌اش را هم بی‌مقدار کرده‌اند. از همین جاست که زنان ایران نیز از بیشترین انگیزه و اراده برای سرنگونی رژیم برخوردارند. و در نهایت، این زنان هستند که ولایت فقیه را از اریکه قدرت به‌زیر می‌کشند.

زنان نیروی تغییر و پیشرفت

زنان ایران با وجود رنج‌های بسیار که بر شانیه‌های خود حمل می‌کنند، با وجود مصائب دو ساله بیماری کرونا و نیم میلیون جان باخته آن و با وجود فقر و گرسنگی فراگیر، امروز نه از خون‌جگر خود که از امید به آزادی و برابری سخن می‌گویند نه از دردهای خود که از برپایی آینده‌ی سخن می‌گویند که رؤیایی در دوردست نیست، بلکه می‌توان به‌آن دست یافت.

ایران بعد از سرنگونی آخوندها به شرطی از تجربه‌های تلخ تاریخ گذشته در امان خواهد بود که در آن یک دمکراسی واقعی توأم با آزادی و برابری برقرار باشد و این به‌دست شما زنان ساخته است. هم‌چنان‌که در طرح شورای ملی مقاومت ایران درباره آزادی‌ها و حقوق زنان آمده، آزادی‌های فردی در مورد زنان از جمله آزادی در اعتقاد و مذهب، اشتغال و رفت و آمد و انتخاب پوشش یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. بله، باید تاکید کنم که آزادی گرفتنی است و این شما باید که به‌دست خود و با نیروی رزم و نبرد خود آن را بگیرید.

هرگونه اجبار و تحمیل به زنان در امور خانوادگی، چند همسری، خشونت جسمی، جنسی و روانی، تمام اشکال بهره‌کشی جنسی از زن و هر آنچه نظام‌های ارتجاعی و مردسالار بر پیشانی زن ایرانی نوشته‌اند، باید برای همیشه ریشه‌کن شود.

دوران ستم‌کشی باید پایان یابد. این شایسته زنان ایران است. اما این سرنوشت تیره و تاریک تغییر نمی‌کند؛ مگر به‌دستان پرتوان شما زنان.

مرتجعان و ستمگرانی که شما را به اسارت گرفته‌اند، هرگز به میل خود آزادی و برابری را به شما تقدیم نمی‌کنند؛ برخیزید و سرنگون‌شان سازید.

نیروی تعیین‌کننده شماید! نیروی تغییر شماید! و نیروی پیشرفت و توسعه حقیقی ایران آزاد فردا شماید.

زنان در شورای مرکزی مجاهدین

مشارکت گسترده زنان ایران در مبارزه برای تغییر رژیم، امری تصادفی و خودبه‌خودی نیست، بلکه الهام‌گرفته از فداکاری زنان پیشتاز مجاهد و مبارز است. آن‌ها که بیش از چهار دهه است به نبرد با این رژیم برخاسته‌اند. ایستادگی همین پیشتازان، این اندیشه را راهنمای زنان ایران کرده که بی‌حقوقی و ستمزدگی آن‌ها تنها با سرنگونی رژیم آخوندی رفع می‌شود.

مجاهدان و مبارزان، شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام را در نوردیدند. ۱۲۰ هزار شهید راه آزادی، ستارگان درخشان آسمان این مقاومت‌اند.

در این مسیر، زنان مجاهد، یک مبارزه طولانی و سخت را پیش برده‌اند. در مقابل بمباران اتهام‌ها ایستادگی کردند. سال‌ها زیر حملات زرهی و تانک و موشک پایداری کردند با دستان خالی جلوی تانک‌ها و نفربرها ایستادند و آن‌ها را عقب راندند. آن‌ها صلاحیت و توانایی خود را در میدان مبارزه اثبات کرده‌اند.

این مبارزه توسط شورای مرکزی مجاهدین که تماماً از زنان جنگاور تشکیل شده، نمایندگی می‌شود. شورای مرکزی نهاد پیشرویی است که پرچم‌رهایی از همه آثار بهره‌کشانه و ارتجاعی اسارت‌بار را برافراشته و مناسباتی بر اساس برابری به معنای واقعی به وجود آورده است و اثرات رهایی‌بخش آن نه فقط زنان که مردان را هم در بر گرفته است. نسلی از مردان رها که با اندیشه استثمار و مردسالار می‌جنگند.

آری این زنان و مردان، پرچمدار برابری و مناسبات برادرانه و خواهرانه هستند. همان چیزی که جامعه ایران و جامعه بشری به آن نیازمند است.

بله، این زنان و مردان رها تا زدودن هر گونه آثار اندیشه ارتجاعی و بهره‌کشانه پیش می‌روند. این مبارزه ایدئولوژیک و فرهنگی، هم برای تحقق سرنگونی این رژیم و هم برای ساختن ایران فردا ضروری است. این چنین مجاهدین شایسته اعتماد خلقشان می‌شوند.

از این نظر شورای مرکزی در مسیر رزم و رنج خود از تجربه‌های پرباری برخوردار شده است. چکیده

این تجربه‌ها «می‌توان و باید» است که در استمرار مبارزه با اندیشه بهره‌کشانه و ارتجاعی در اشکال مختلف به دست می‌آید.

بله، زنان ایران یک الگوی مجسم پیش روی خود دارند و از آن الهام می‌گیرند.

مقاومت، راز و رمز پیشروی و پیروزی

زنان و مردان این جنبش که پیشتاز مبارزه مردم ایران با استبداد مذهبی هستند، ارزش مقاومت را احیا کرده‌اند. آن‌ها انتخاب کرده‌اند که در مقابل ستم و سرکوب کوتاه نیایند. و قیمت از میان برداشتن آن را هرچه هست، به‌طور مستمر پردازند.

آن‌ها بسیاری خرافه‌ها و ممنوعیت‌های ارتجاعی را درهم‌شکستند و راه پیشروی مقاومت را باز کرده‌اند.

در هر شرایطی، حتی زیر ضربات سخت و سنگین، روحیه پرنشاط و سرزنده خود را حفظ کرده‌اند. همواره منافع جنبش و شعله‌ور نگهداشتن مقاومت و نبرد برای آزادی را بر منافع فردی خود ترجیح داده‌اند.

از خانه و خانواده پدر و مادر و همسر و فرزند برای پیوستن به صفوف مقاومت دست شسته‌اند و درد و رنج و فراق آن را با روی گشاده پذیرا شده‌اند.

به این فکر نکردند که نتیجه کارشان چه می‌شود؟ آیا پیروز می‌شوند یا نه؟ بلکه به این فکر کردند که در راه آزادی مردم و میهن‌شان چه مسئولیتی برعهده دارند.

در برابر دشمن و نیروی سرکوب آن، با وجود تعادل قوای به‌شدت نابرابر، بیمی به‌خود راه ندادند و بر این حقیقت پافشارده‌اند که یک گروه مصمم، هرچند کوچک و محدود باشد، می‌تواند راه پیروزی را باز کند و نهایتاً اوضاع را به نفع مردم تغییر دهد.

آن‌ها از یک منطق رهایی‌بخش پیروی می‌کنند که براساس آن انسان به اینکه چقدر توانمند هست یا نیست شناخته نمی‌شود، بلکه به تلاش و جنگ‌اش برای تغییر خود و برای تغییر جامعه شناخته می‌شود و جامعه نیز، به این شناخته نمی‌شود که چه هست، بلکه به استعدادش برای نو شدن و به قوای رزمنده‌اش برای انقلاب شناخته می‌شود.

بله، این شورشی است علیه آن‌چه هست، برای رسیدن به آن‌چه باید باشد.

از این نظر، مقاومت، نیاز مبرم انسان برای انسانی‌تر شدن است. نیاز هر زن ستمزده برای رهایی است و نیاز جامعه برای خروج از بن‌بست و انحطاط است.

همچنان که مسعود رجوی که بیش از پنجاهه این مقاومت را در مسیر آزادی هدایت کرده و نسل‌های پی‌درپی را آموزش داده، گفته است: نور مقاومت خاموش‌شدنی نیست. هر چقدر هم نور را بشکنند، انکسار نور تابش آن را بیشتر می‌کند.

مقاومت کردن و ایستادگی بر سر آن، اعتبار وجود یک خلق است. و راز و رمز پیشروی و پیروزی در دشوارترین شرایط. تنها پلی است که از آن می‌توان به جهانی بر اساس خواهری و برادری و آزادی و برابری رسید.

در پایان سالروز میلاد سومین پیشوای تشیح انقلابی امام حسین علیه السلام را به هموطنانم در ایران و شما خواهران عزیزم تبریک می‌گویم.
از همه شما متشکرم.